

دانشگاه تهران

دانشکده علم اداری و مدیریت بازرگانی

تحقیقی پیرامون تجدید نظر در سازمان تلوزیون ملی ایران

۱۳۴۷

پایان نامه فوق لیسانس

استاد راهنما آقای دکتر علیرضا بهار

هیئت داوران

آقای دکتر بهار آقای دکتر بهار آقای دکتر رضایی

تهیه و تنظیم از : صفاالدین جهانیان دانشجوی

فوق لیسانس رشته علم اداری دانشکده

علم اداری و مدیریت بازرگانی

تاریخ : شهریورماه ۱۳۴۹

	۱- مقدمه	
۱	۲- فصل اول - تلویزیون و جامعه در حال رشد	
	نقش رادیو و تلویزیون و مطبوعات در کشورهای در حال	
۵	رشد	
۱۰	۳- فصل دوم - تلویزیون در ایران	
۱۰	تلویزیون ایران	
۱۴	تلویزیون ملی ایران	
۱۷	۴- فصل سوم - هدف و مبنای قانونی تشکیل سازمان تلویزیون ملی ایران	
۱۷	هدف	
۲۰	قانون تشکیل سازمان تلویزیون ملی ایران	
۲۲	اساسنامه سازمان تلویزیون ملی ایران	
	۵- فصل چهارم - تشکیلات و ترکیب سازمانی تلویزیون ملی ایران از	
۲۵	آغاز تا کنون	
۲۹	۶- فصل پنجم - تشکیلات و ترکیب سازمانی تلویزیونهای بزرگ جهان	
۲۹	بنگاه رادیو تلویزیون انگلستان	
۳۸	سازمان رادیو تلویزیون آلمان	
۴۳	سازمان رادیو تلویزیون ژاپن	

۵۰	سازمان راد یو تلویزیون ایتالیا
۵۲	سازمان راد یو تلویزیون بلژیک
۵۴	۷- فصل ششم - ملاحظات اساسی در تشکیلات و سازمانهای تلویزیونی
۵۴	یگانگی و دوگانگی
۵۵	چندگانگی
۵۶	بررسی یگانگی راد یو و تلویزیون در ایران
۵۸	حدود و چگونگی دخالت دولت
۶۰	مسئله پستی
۶۱	نظارت و کنترل
۶۳	۸- فصل هفتم - سازمان پیشنهادی برای تلویزیون ملی ایران
۷۷	نتیجه

ای نام تو بهترین سرآغاز ...

تلویزیون در جهان و بویژه در کشور ما پدیده تازه ایست ، با اینحال جامعیت و کمال قابل توجهی دارد . روزگاری " حکمت " یا " فلسفه " تنها دانش زمان بود که همه دانستیها را شامل میشد و روزگارانسی را بخاطر میآوردیم که يك يك ، دانشها را خود را از علم مطلق و حکمت جامع جدا کردند و برای خود آزادی یافتند . ریاضیات ، شیمی ، فیزیک ، طب ، نجوم و سایر علم بهمت دانشمندان بزرگ ، هر کدام رشته خاص و جداگانه ای شناخته شدند و تا همین اواخر ، در قرن هجدهم نیز همچنان " اگوست گت " جامعه شناسی را بعنوان تازه ترین اشتقاق علم ، از مجموعه علم مجزا کرد . پس از آن ، تا امروز همچنان تقسیم علم به رشته ها و شعبه های گوناگون ادامه دارد و بشر هر چه بیشتر به تخصص کامل در علوم متایل میشود .

در این گیرو دار ، دانشهای تازه ای پدیدار شده اند که گوئیس رجعتی است بدوران اولیه داناتیهای بشر که علم ، جامع و شامل تمام

دانشتهای زمان بود . همانگونه که روزی ، حکیم یا فیلسوف ، احاطه کامل به —
 ریاضیات ، فلسفه ، نجوم ، طب ، شیمی ، فیزیک و سایر دانشتهای محدود
 زمان خود داشت ، اینک نیز دانش کیهان نوردی ایجاب میکند که خبرگانش از
 اکثر علم زمان ، بهویژه ریاضیات ، فلسفه ، نجوم ، طب ، شیمی و فیزیک آگاهی
 کافی داشته باشند . میتوان گفت که مجدداً "از ترکیب علوم که قبلاً از یکدیگر
 جدا شده اند دانشهای تازه تری پدیدار میشود که البته وسعت فوق العاده
 دامنه آن مانع از این میشود که فرد بتواند در تمام جنبه های آن متبحر شود
 لیکن از آنجا که مفهوم "فرد" نیز در علم به "گروه" تبدیل شده است ، اینک
 مجموعه دانشمندان علم فضائی را که هر یک برنامه کار میکنند میتوان فرد
 واحدی دانست که نظیر حکمای قرون قدیم ، احاطه کامل به همه علم زمان خود
 دارد .

کیهان نوردی را بعنوان مثال آوردیم . ازینگونه علم ترکیبی امروز
 بسیار دیده میشود . از آنجمله است "مدیریت" که بدون شک خود ترکیبی است
 از علم متعدد و گوناگون "اقتصاد ، روانشناسی ، ریاضیات ، جامعه شناسی
 علم سیاسی و . . ." و علم ارتباطات اجتماعی که همچنان مجموعه ایست از
 برخی علم جدید و قدیم ، و تلویزیون که یکی از پدیده های مهم و شاید مهمترین
 پدیده در امر ارتباطات اجتماعی است ، ازینرو ، چهره در روی بسیاری از علم
 و دانشهای زمانه دارد .

وظایف و دماموریت‌هایی که در هر جامعه، به تلویزیون واگذار میشود با اندک تفاوتی، بهم شبیه است و مسائل فنی و اجرایی آن در گوشه‌های مختلف جهان شباهت بیشتری بهم دارد. با اینحال هنوز مدل قطعی و نهایی و کاملی برای اداره سازمانهای تلویزیونی در جهان ارائه نشده است. که بتوان برای اداره يك سازمان تلویزیونی از آن بهره گرفت.

مسئله در تلویزیون ملی ایران

نبودن مدل سازمانی مطلوب و مفید از يك طرف و محدودیت منابع انسانی و نیروی کار متخصص از سوی دیگر تلویزیون ملی ایران را وادار کرد که با تسوجه به شتابی که در برآورد انداختن هر چه زودتر مراکز خود داشت پس از ترکیبی که ممکن و میسر بود استخوان بندی سازمان را برپا دارد و براین پایه کار را به پیش براند.

سرعت گسترش شبکه تلویزیونی کشور، هیچ تناسبی با سرعت افزایش منابع انسانی نداشت. در عرض مدتی کمتر از چهار سال، تلویزیون ملی کار خود را از اداره يك ایستگاه در تهران، به گرداندن دو ایستگاه در تهران و پنج مرکز تلویزیونی بزرگ و دو مرکز تقویت در شهرستانها گسترش داده و در نظر دارد که قبل از پایان پنجسال از تاریخ شروع، تعداد مراکز تلویزیونی بزرگ را به هفت رساند و شش مرکز تلویزیونی کوچکتر نیز احداث کند. هفت فرستنده تقویتی بزرگ و نزدیک به صد ایستگاه تقویتی کوچک، چنین مسئله‌ای مهتر و حساستر از آنست که با ارقام و اعداد قابل بیان باشد.

هر ایستگاه تلویزیونی که شروع بکار میکند حداقل در آغاز کار به حدود ۴۰
 کارمند ، همه کار آزموده و نیمه متخصص و تعدادی بسیار مجرب و کاملاً
 متخصص ، نیازمند است . حداقل زمانی که بتوان ، (با همه کوششی که در این
 سازمان و در موسسه آموزشی وابسته بآن اعمال میشود) یک دیلمه ساده را به
 یک کاردان فنون تلویزیونی تبدیل کرد چهار سال است . و این مدت در افسان
 لحظه پیش از تمام طول عمر این سازمان است .
 اینست که مسائل ، یکا یک چهره خود را در زمینه گسترش سریع شبکه تلویزیونی
 کشور نمایان میکنند .
 سازمان نیازمند آنستکه در درجه اول استخوان بندی و پی ریزی استواری
 داشته باشد تا بتواند بار این همه توسعه را تحمل کند و سپس نیازمندی
 آنست که تا میشود از بیماریها و ناهماهنگیهای که معمولاً " گریبان سازمانهای
 تثبیت نشده و غیر مشخص را میگیرد در امان باشد . بد نیست در بساره
 بیماریهای سازمان ، اینک که سخن از آن بمیان آمد ، بیشتر گفتگو کنیم .

بیماریهای سازمان

معایب و نابسامانیهای را که میتوان در یک سازمان ملاحظه کرد بشود
زیر طبقه بندی کرده اند (۱).

۱- تعاریف مسئولیتها

- I - عدم تعیین مسئولیتها و به اشتباه انداختن کارمندان در مورد آنها
 - II - تهیه نمودار سازمان بدون تعریف مسئولیتها و ارتباطهای آنسان
با یکدیگر.
 - III - مشخص کردن مسئولیتها بدون روشن گردانیدن ارتباطهای آنسان
با یکدیگر (بخصوص در مورد وظایف تخصصی)
 - IV - مسئولیت داشتن کارمندان در مقابل بیش از یک رئیس بدون تفکیک
دقیق مسئولیتها.
 - V - قرار دادن فعالیتهای مربوط بهم (مثل استخدام، آموزش و رفاه
کارکنان) در واحدهای اجرایی جداگانه.
 - VI - عدم توضیح دقیق وظایف مدیر.
- ۲- حیطه نظارت و مسئولیت:
- I - معلم نبودن حیطه نظارت (که از بیماریهای ردیف انانی میشود)
 - II - گسترش بیش از حد حیطه نظارت با توجه به میزان مسئولیتهای مدیر
و حدود تواناییهای او.

1- E.F.L. BRECH, ORGANIZATION, THE FRAME WORK OF
MANAGEMENT, LONGMANS GREEN & CO LTD. LONDON,
1965-P.P.157-159.

III- گسترش بیش از حد حیطه نظارت بخاطر اینکه مدیر تعادل زیاد به تمرکز

دارد یا اصولاً " تفویض اختیار را قبول نمیکنند .

IV- گسترش بیش از حد حیطه نظارت با تکیه بر این سفسطه که "گسردیگری

در سازمان نیست که از عهد و این کار بر بیآید ."

V- گسترش بیش از حد حیطه نظارت با توجه به این عقیده که " هر وقت

کار درست پیش نرفت یک نفر دیگر به سازمان اضافه کنید ."

VI- عدم استفاده دقیق از کارشناسان ستاد ، بخصوص در سطح پائینتر

۳- مدیریت هموسی

I- وجود بیش از یک مدیر که از جنبه های مختلف دارای مسوولیت های

انفرادی و اختیارات جداگانه هستند .

II- در سازمانهای کوچکتر ، تداخل وظایف مدیر با کارهای اجرایی

سطح پائین .

III- تمرکز بیش از حد امور در منطقه مدیریت بطوریکه در غیاب مدیر عامل

کارهای سازمان فلج میشود .

IV- اداره سازمان با تکیه بر تکنیکها بدون توجه به روابط انسانی .

۴- کارشناسان ستادی (بیشتر مربوط به سازمانهای بزرگتر)

I- سودمند نبودن کارشناسان به علت عدم برخورداری از دانشهای

ویژه .

II- اصطکاک داشتن کارشناسان با دیگران باعث عدم وجود تعاریف دقیق

در مورد مسوولیتها و اختیارات آنان .

III- اجازه یافتن کارشناسان در مورد دست اندازی به اختیارات کارمندان

اجرائی .

IV- تکیه بیش از حد بر وظایف ستادی

V- عدم وجود پیوستگی با سایر واحدهای ستادی .

۶- هماهنگی

I- عدم پیش بینی دقیق مسوولیتهای مدیرعامل و مدیران اجرایی و نحوه

ارتباط این مسوولیتها با یکدیگر .

II- صرفاً " به تکنیک ها و کمیسیون ها تکیه کردن .

III- داشتن اطلاعات یا وسائل ارتباطات نارسا .

IV- عدم وضوح خط مشی

V- تشبیه به سفسطه " اضافه کردن يك آدم یا يك پست یا يك قسمت به

سازمان برای نجات از درهم برهمی سیستم هماهنگی "

۷- نظارت

I- عدم وجود تعاریف دقیق در مورد مسوولیتها (به شماره ۱ مراجعه شود)

II- ندادن اطلاعات کافی به نظارت کنندگان درباره مسوولیتها و حدود آنها .

III- طولانی بودن بیش از حد خط فرماندهی .

بررسی اجمالی نشان می‌دهد که از نابسامانیهای کلاسیک يك سازمان تعداد قابل توجهی را میتوان در میان مشکلات کنونی تلویزیونی ملی ایران یافت و حل اکثر آنها باز میگردد که به بنیان گذاری يك سازمان صحیح ، به شکلی که پاسخگوی نیازهای واقعی این دستگاه باشد ، حال بهترین يك سازمان را اصولاً " برچه مبنایی میتوان استوار کرد و سرنوشت تلویزیون با کداميك از این مبانی سازگاری بیشتری داد .

مبانی تشکل سازمان

از نظر گیولیک ، بنیاد سازمان را بر این مبانی میتوان استوار کرد :

۱- هدف یا وظایف اصلی (حفظ نظم ، تامین آب ، آموزش)

۲- نوع عملیات (مهندسی ، پزشکی ، آمار)

۳- ارباب رجوع یا اشیا* (امور جوانان ، امور عشایر ، معاون)

۴- محل عملیات (عمران دهک تروین ، سیاه جنوب ، مرز) (۲)

برای هر يك از این مبانی نیز مشخصات و فوائد و مضاری شمرده اند . در مورد

سازمان بر حسب هدف ، ذکر کرده اند که این معنا بیشتر برای تاسیس واحدها و

سازمانهای دولتی و وابسته بدولت مورد استفاده قرار میگیرد .

2- GULICK & URWICK, PAPERS ON THE SCIENCE OF ADMINISTRATION, INSTITUTE OF PUBLIC ADMINISTRATION NEW YORK 1937.

و محاسن آن عبارتست از (۳)

- سرعت عمل و تسریع در حل مسائل مورد ابتلای سازمان
- جلوگیری از تکرار وظایف در دستگا‌ه‌های مختلف
- تطبیق بیشتر با هدفها و مقاصد دولت
- تقلیل اصطکاک مردم و دولت
- تقویت روحیه کارکنان
- تسهیل عمل هماهنگی بین اجزای مختلف سازمان

گرچه در مورد سازمان بر حسب محل عملیات، تلویزیون ملی مجبور است که واحدهائی نیز در شهرستانها داشته باشد اما بنظر می‌آید که برقراری این سازمان بر مبنای هدف، منطقی‌ترین نوع انتخاب مبنای سازمان باشد و حتی اگر در بادی امر ناچار به تقسیم واحدهای خود بر مبنای محل عملیات باشد، این واحدها در داخل خود نیز باید از یک تقسیم سازمانی بر مبنای هدف برخوردار باشند. بنابراین، با این فرض که سرنوشت مقدر و راه سودمند برای تلویزیون ملی ایران، تجدید نظر در سازمان کنونی و استقرار آن بر مبنای هدف است بحثی را آغاز کرده و باین شکل دنبال میکنیم.

در نخستین فصل، مسئله تلویزیون و جامعه در حال رشد را عنوان کرده و میکوشیم که اهمیت و نقش تلویزیون را در کشور بازشناسیم. در فصل بعدی، نگاهی به گذشته کرده و چگونگی پیدایش در آغاز کار تلویزیون در ایران را بررسی میکنیم و به تشکیل

۳- علیمحمد اقتداری - سازمان و مدیریت (چاپ چهارم) - دانشگاه تهران،

سازمان تلویزیون ملی ایران می‌رسم سپس در فصل بعدی مبنای قانونی تشکیل سازمان تلویزیون ملی ایران را مورد مطالعه قرار می‌دهیم تا ببینیم قانوناً چه مقرراتی بر سر نوشت این سازمان حاکم است . حال برای یافتن سازمان مطلوب ، ضروری است که تشکیلات و سازمان کنونی و قبلی تلویزیون را بررسی کنیم و این مهم را در فصل چهارم بانجام می‌رسانیم .

فصل پنجم اختصاصی دارد به بررسی سازمان و تشکیلات چند دستگاه معروف و بزرگ تلویزیونی دنیا مثل بنگاه رادیو تلویزیون انگلستان ، بنگاه رادیو تلویزیون آلمان ، بنگاه رادیو تلویزیون ژاپن و بنگاه رادیو تلویزیون آلمان فدرال و نگاه کوتاهی هم به اسکلت سازمان رادیو تلویزیون ایتالیا و بلژیک می‌اندازیم .

در فصل ششم مسائل اساسی و بنیانی سازمانهای تلویزیونی ، مثل حدود و چگونگی دخالت دولت ، پیوستگی یا جدایی تلویزیون از رادیو و نحوه کنترل تلویزیون توسط دولت را بررسی می‌کنیم و بالاخره ، در فصل هفتم پیشنهاد خود را در مورد اسکلت سازمانی مناسب برای تلویزیون ملی ایران با نتیجه گیری از — اطلاعاتی که در فصلهای قبل جمع آوری و بررسی شده است ارائه می‌کنیم .

امیدواریم ، چشم خطاپوش استادان گرامی لغزشها و نارسائیهائی را که در انجام این مهم روی داده است ندیده بگیرند و آنرا ناشی از باریکی و اهمیت فوق العاده موضوع و بررسی انگارند ، چرا که من ، بسهم خود در فراهم

آوردن مجموعه ای، درخور محضراستادان، از هیچ کوشش فروگذار نگردد، ام
و توجه کریمانه و راه‌نمایی شما را نیز، بهترین اجر و پاداش این تلاشها میدانم.
با سپاس

صفا* الدین جهان‌بینی

تهران - شهریورماه ۱۳۴۶

فصل اول

تلویزیون و جامعه در حال رشد

زمان و زمان پیوستگیهاست و جهان میرود که با سود گرفتن از مسائل
ارتباط جمعی، یکپارچه تر شود. شاید دیگر "تلویزیون" یا "دیدن دور" نسام
شایسته ای برای این پدیده علمی و دانشی شکست آور نباشد و از پیوستگی
ماده‌واره های پیام رسانی، اندک اندک "موند ویزون" یا "دیدن جهان"
برای نامیدن این دستگاه که جهان را پلوده اتای شما میکند بیشتر کاربرد
بیشتر از هر سخنی، بجاست که با این پدیده بی مانند آشنا تر شویم و
نقش آنرا در ساختن زیربنای اندیشه جامعه در حال رشد کشور خویش
بازشناسیم.

امروزه شاید کمتر کسی را بتوان یافت که از اثرات و مسائل ارتباط جمعی

در امان باشد.

* آنچه از تلویزیون می بینند کودکان و نوجوانان، آنچه میخوانیم در
مطبوعات، آنچه روی پرده سینما نشان می‌کند جوانان و آنچه از رادیو می‌شنوند
روستائیشان، اثر می‌گذارد رفته رفته بر روی هر فکر، هر عمل و هر گفتار. خودمان
را خوب داد نام و به نسلهای آینده هم خیانت کرده ایم اگر این واقعیتها را
نادیده انگاریم (۱).

(۱) - محمود پرزین، "رستم"، روزنامه آینده گان، تهران ۲۲ خرداد ۱۳۱۸

"ما خود از قدم اول باید معین کنیم که مسائل ارتباط جمعی یعنی مطبوعات و رادیو و تلویزیون و سینما چه نقشی را باید برعهده داشته باشند . نقش برانگیزاننده و بیدارکننده و ارشادکننده یا نقش خواب‌کننده و تخریب‌گر کننده . آیا مسائل ارتباط جمعی باید در خدمت مردم و مصالح اجتماعی آنها قرار گیرند و یا اینکه باید مردم و امکانات آنها را در خدمت داشته باشند . باید انکار عمومی و صلحت‌عامه و تمایلات و آرزوهای اکثریت را منعکس نمایند و یا اینکه باید خود دست به ساختن افکار عمومی بزنند و تمایلات و آرزوهای از پیش ساخته شده و قالب‌گیری شده بزنند" (۲)

"تلویزیون دنیا را بخانه ما می‌آورد . سینما یک جهان تخیلی و حتی بقول یکی از جامعه‌شناسان یک انسان تخیلی می‌سازد (به استثناء فیلم‌های مستند) در صورتیکه رادیو و تلویزیون ما را با حقیقت دنیا و زندگی آشنا می‌سازد و یک نوع خودآگاهی در میان مردم بوجود می‌آورد . توام با احساس نزدیکی و تفاهم . تلویزیون در خانه هست و خود را بر ما تحمیل میکند و آنچه را که میخواهد بنا منتقل میکند رادیو و تلویزیون رفتارهای نرنگی و اجتماعی را دگرگون میکند . تلویزیون سبب میشود که کودکان خیلی زود با مسائل و ارزشهای بزرگسالان آشنا پیدا کنند

۲- آگاه . . . "فاصله از پیام تا انسان" ، روزنامه کیهان ، تهران ، ۲۲ خرداد

و در نتیجه يك نوع نگرانی در باره آینده در آنها پیدا میشود و زودتر از گذشته خود را موظف به مقابله با این مسائل می بینند . رادیو و تلویزیون میان میلیونها نفر آثار هنری و ادبی جهان را اشاعه میدهند . شکسپیر و مولیر در تلویزیون برای تماشاچیان بازی میشود که در يك روز تعدادشان بیشتر از تمام تماشاچیان است که در طی قرنهای این آثار را دیده و خوانده اند . رادیو و تلویزیون از سایر وسائل ارتباط جمعی متمایز هستند . و اشاعه آنها در میان افراد و خانواده ها خیلی بسرعت انجام میگردد . رادیو و تلویزیون وقیم غیر از جنبه فرهنگی خود میتوانند از لحاظ خبری و آموزشی نقش مهمی داشته باشد . تلویزیون «اعد تا» توجه را بیش از رادیو بخود جلب میکند . چرا که تلویزیون صدا و تصویر هر دو را دارد . حافظه بیشتر تحت تاثیر تصویر قرار دارد تا صدا . تجربه نشان داده که مردم مدت درازتری آنچه را که در تلویزیون دیده اند بخاطر میسپارند تا آنچه را که از رادیو شنیده اند .

آموزش عمومی موجب میشود که گروههای بیشتری بتوانند از مجموع وسائل ارتباطی استفاده کنند و در اثر افزایش اوقات فراغت که خود نتیجه پیشرفت تکنیک است در شبانه روز ساعات آزاد بیشتری را در اختیار داشته باشند و در نتیجه فرصتی برای استفاده از مظاهر فرهنگ پیدا کنند^(۳) .

۳- در جمشید بهنام ، طرق جدید اشاعه فرهنگ ، سخنرانی در دانشکده

ادبیات دانشگاه تهران

"مسائل ارتباط جمعی سالم ، واقع بین و نیک اندیش در شکل دادن به اراده سیاسی نقشی آنچنان پر اهمیت دارد که هر چند هم بر آن تکیه کنیم ، میانه آمیز نمی تواند بود . دادن اطلاعات درست به مردم از سوی رادیو - تلویزیون مطبوعات و تزار دادن مردم در «رمان راستین حوادث جهان و کشور از جمله عوامل مهمی است که مردم را از حیث سیاسی فعال میکند و بیدار می سازد . این سه از مسائل ارتباط جمعی برای بازی کردن چنین نقشی که تنها توجیه کننده راستین وجود آنهاست ، به آزادی ، به گسترده ترین و زرقشترین معنای کلمه ، نیاز دارند ، آزادی انتقاد ، آزادی دادن اطلاعات درست و و"

"با مسائل ارتباط جمعی میتوان هم بیننده و شنونده و خواننده را از مسائل واقعی و عینی دور نگه داشت و هم میتوان مسائل واقعی را با تغییر شکل و تمسیر جهت در محنوی و شکل بوسیله این دستگاهها به توده های مردم منتقل کرد و هم میتوان با ایجاد امواج تبلیغاتی و تکرار و تلقین از راه چشم و گوش در خواننده و بیننده سوازی ذهنی و پیشداوریهای ایجاد کرد که بکلی با حقیقت و واقعیت اصلی و حتی با منافع و مصالح تطبیق نشوند و بیننده و خواننده منابرت داشته باشد (۱) ."

" مسئله مهم و اساسی در روزگار ما مسئله کیفیت و چگونگی رابطه و پیوند دستگاههای ارتباط جمعی با مردم و زندگی روزانه آنها و تأیلات و افکار و مبطلر از همه منابع و مصالح اجتماعی و اقتصادی و سیاسی جامعه میباشد . از کیفیت این رابطه است که میتوان ارزیابی واقعی کار و تاثیر دستگاههای ارتباط جمعی را مسورد ارزیابی ترار داد ."

نشر یاد یوتلویزین و مطبوعات در کشورهای در حال رشد :

" در کشورهای در حال رشد از آنجائی که مجموع وسائل ارتباط جمعی محصول فکر و فن غرب و از جمله واردات غربی است و از آنجائی که این وسائل طندار زیاد ی از محتوی خود را بطور مستقیم از منابع فکری و فرهنگی و اجتماعی غربی میگیرد و بدون کم و کاست به توده ها منتقل میکند و از آنجائی که نوع رابطه ای که ایسین دستگاهها با نهاد های اجتماعی و فرهنگی غربی دارند یا نوع رابطه و تاخر ایسین دستگاهها با نهاد های اجتماعی جوامع در حال رشد بکلی متفاوت است ، خواص ناخواص موجب کشش و جذب هائی غالباً نا هم آهنگ در گروههای اجتماعی کشورهای به شواهر غربی و گریز و ترار از پایه های ملی و نومی و در همین حال ایجاد نوعی زود پآوری و بلاهت و سفلت اجتماعی در گروههای پائین و متوسط جامعه و نوعی بد بینی و نفرت در معدودی از گروههای روشنفکری و نومی تقلید و دنباله روی

گورگورانه در گروههای وسیع از نسل جوان و جوانی که به مطالب آسان و زود فهم
و اجتناب از تلاش ذهنی تمایل شدید دارند میگردند (۶) *

و این خود همه را اگر با باریک بینی مورد توجه قرار دهیم ، با انبوهی از مسائل
و دشواریها روبرو خواهیم شد که هیچ جامعه در حال رشدی از توجه روزگارانها
گریزی ندارد .

سیمت ارتباط جمعی در دوران ما جریان نلود فرهنگ غرب را نسبت به گذشته
بسیار سریعتر میگرداند و تنها با بالا بردن آگاهی ملی و نیرومند ساختن
بنیادهای فکری مردم و تجهیز آنها با فرهنگ ملی میتوان در جلوگیری از
خروشان بنیان بر باد ده پایداری کرد .

و در اینجا است که باید مطلب زیر را مورد توجه بسیار دقیق قرار دهیم ،
فرهنگ ملی و رسالت و وظیفه و مسائل ارتباط جمعی و ویژه تلویزیون در برابر آن ،
از آنجا که فرهنگ ملی ما دارای آندمان اهمیت سترک و اولایی است که همسفر
اندازه در برآمده آن سخنی رانده شود ، باز بسند و نباشد - و از آنجا که در
دوران ما عدم توجه به فرهنگ و تمدن کم مانند و بلکه بیاند ایرانزمین
گونه بی تفاخر به اصطلاح روشنگرانه بشمار میآید ، بد نیست سخن را اگر هم
نه چندان کانی ، در این باره بمان آوریم .